



# بیوگرافی

عادلہ بابا

با احترام به عاقله بابا جمشیدزاد مرید، این زن مبارز افغان، نگاهی کوتاه به زندگی اومی اندازیم. این زندگینامه از روی نوشتاری تلخیص شده است که به تنظیم دوست ایرانی عاقله بابا، رقیبه دانشگاهی در رسانه رادیو زمانه به تاریخ 20 میزان 1397 برابر با 12 اکتبر 2018 منتشر شده است. لینک آن نوشتار در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

عاقله بابا جمشیدزاد مرید در تاریخ 31/4/1325 خورشیدی برابر با 22/7/1946 میلادی در خانواده ای مرفه و پرآواذ اهلالی قریه کمری ولسوالی بگرامی ولایت کابل به دنیا آمد و در یک فامیل روشنفکر پرورش یافت. والدین وی نقش موثری در تربیت فرزندان شان برای کسب دانش و پیمودن راه پیشرفت شغلی و اجتماعی و نیز آشنائی آن‌ها با افکار ترقی خواهانه زمانه خود داشتند.

پدر او مومن خان از زمره مردانی بود که در جامعه سنتی افغانستان به ضرورت تامین حقوق زنان و احترام به مقام زن و کرامت انسانی او، پایبند بود. مومن خان این روشن بینی را از پدر خود جمشید خان کمری وال که سهمی در پیشبرد اقتصاد و سیاست افغانستان داشت، کسب کرده بود.

عاقله بابا دوره ابتدائی مکتب رادرسال 1330 با کوشش بی دریغ مادرش کبریا (حلمه) مرید دختر افضل خان کمری وال در مکتب مستوره غوری آغاز می‌کند. تحصیلات عالی اش را در لیسه زرغونه به پایان می‌رساند. سپس در یوهنتون کابل مصروف تحصیل در رشته اقتصادی شود، اما نظریه علاقه اش به علوم طبابت و تحصیل در مراکز علمی پیشرفته، رشته طب را در دانشگاه امریکایی در بیروت لبنان بی می‌گیرد.

عاقله بابا در سال 1345 با کاپیتان سید بابا ازدواج می‌کند. پس از تشکیل خانواده و ضرورت رسیدگی به امور آن، برای مدتی تحصیل در بیروت را ترک می‌کند و به افغانستان بازمی‌گردد. همسر او کاپیتان سید بابا انسانی پیشرو و افراد بانام و محبوب افغانستان بود که در مسایل سیاسی و اجتماعی و نیز در حیطه خدمات شغلی خود در شرکت هوائی آریانا و عرصه ورزش، نقشی موثر به عهده داشت. او در المپیک 1960 در ژاپن در مقام قهرمان کشورش در رشته وزنه برداری شرکت کرد و موجب سربلندی افغانستان گردید. کاپیتان بابا همچنین از جمله مردانی بود که در راه تجدید پیشرفت برای زنان کشورش کوشش می‌کرد. او به مقام زن و مادر ارزش

بسیار قایل بود، به حقوق زنان احترام عمیق داشت و از تساوی حقوقی در خانواده حمایت می‌کرد. به همین دلیل با همسر خود عاقله بابا در تربیت چهار فرزندشان همکاری می‌کرد و مسائل اجتماعی و حقوقی زنان نیز همراه و هم‌رزم همسر خود بود. ولیکن بعد از مرگ نابه هنگام کاپیتان سید بابا در سال 1362، عاقله بابا مسئولیت پرورش فرزندان را به تنهایی به عهده می‌گیرد. او در آن دوره دشوار توانست بر اثر استقامت و بیگیری خود، و با پشتیبانی اعضای فامیل بر مشکلات در همه عرصه ها غلبه کند. چنانچه هم اکنون هر کدام از چهار دختر آن‌ها - ماگه بابا، ونوس بابا، ویدابابا و ژمه بابا - در رشته های پزشکی، اقتصاد و زبان و ادبیات انگلیسی در کشورهای آلمان و سوئیس مصروف به کار هستند. عاقله بابا تا آخرین لحظات زندگی پر بار خود همواره از همسرش کاپیتان سید بابا به نیکی و احترام یاد می‌کرد.

عاقله بابا که با داشتن پدر و مادر روشنفکر از کودکی با افکار تجدید خواهی و نوجوئی آشنا بود، به موازات وظایف مادری در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیز فعالیت می‌کرد. او در جستجوی راهی برای توسعه و پیشرفت کشورش، عضویت در حزب دموکراتیک خلق افغانستان را برمی‌گزیند. و چون بهترین و ضروری ترین زمینه کار حزبی را در جانشینان و نامین و حفظ حقوق زنان می‌داند، در سال 1351 برابر با 1972 میلادی به عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان درمی‌آید. مشوق و معرفی او برای عضویت در این سازمان، هم‌رزم بزرگوار وی زنده یاد ببرک کارمل بود.

عاقله بابا در ادامه مبارزات خود در سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، مسئولیت های مهمی به عهده می‌گیرد. او در پیشبرد این وظایف همواره از همفکری و پشتیبانی هم‌رزم و دوست دیرینه خود زنده یاد دکتر انانیه تارتب زاده هم‌سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و از سیاستمداران برجسته کشور بهره مند می‌گردد. عاقله بابا او طلبانه برای پیشبرد کار سازمانی به دهات و شهرستان های دور افتاده سفر می‌کرد. در آن زمان که سفر با وسایلی نقلیه به این مناطق مشکل جدی بود، او با گرفتن مدرک در پیوری، توانست بر مشکل غلبه کند و با سفر به مناطق مختلف افغانستان، با زنان دهات و شهرستان ها رابطه برقرار کند. در آن زمان عاقله بابا جوهرت زبانی بود که در افغانستان لیسانس در پیوری داشتند. از جمله سفرهای داخلی اومی توان به شهرهای جلال آباد، لغمان، پنجشیر، پل خمری، خوست، پکتیا، لوگر، قندهار، غزنی، نپروز و فراه اشاره کرد.

عاقله بابا بعد از فراغت از تربیت و پرورش فرزندان در سنین خردسالی آن‌ها، از سال 1366/1987 به تحصیلات خود ادامه می‌دهد و می‌تواند دیپلم خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به دست آورد. از آن پس او از این توانایی خود با هم‌رزم به سود پیشرفت اهداف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در شناساندن مسایل و آرزوهای زنان افغان به دنیا و نیز مشکلات حاکم بر کشورش بر اثر جنگ و ویرانی، بهره می‌جوید.

او در زمان کار به حیطه مسئول شعبه روابط بین المللی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان نظر به تحکیم روابط با 132 سازمان ملی و بین المللی در پیوند آن‌ها با سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، موفقیت های بسیاری کسب نمود. همچنین با شرکت فعال در تعداد قابل ملاحظه ای از کنفرانس ها، کنگره ها و سمینارهای بین المللی زنان تجارب عملی زیادی به دست آورد. در این اجتماعات بین المللی، طی دیدار و گفت و گو با شرکت کنندگان از کشورهای مختلف، عاقله بابا با زندگی، مسایل و مبارزات زنان جهان آشنایی شد و تجارب بسیار مثبتی از تلاش آن‌ها برای حل مشکلات و رفع تبعیض در حق زنان آن کشورها به دست می‌آورد. خود نیز پیوسته صدای زنان و خانواده ها و کودکان افغانستان را به حلقه ها و جریانات زنان جهان انتقال می‌داد و از همبستگی جهانی سازمان های زنان

با کشورش افغانستان، مستفید می‌گردید. از جمله گروه های بین المللی که او به نمایندگی از سوی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در آن ها شرکت کرده بود، عبارتند از:

- کنفرانس مقدماتی دهه زنان ملل متحد در بین مرکز افریقا در سال 1984

- سمینار منطقه ای آسیا و افریقا از طرف سازمان ملل متحد در پیروامون مسئله زنان در سال 1984 در عدن.

- کنفرانس دهه زنان ملل متحد در سال 1985 در کنیا مرکز نیاروبی.

- کنفرانس زنان دموکرات جهان در پراگ مرکز چکسلواکی در سال 1985.

- کنفرانس بین المللی زنان در کابل در سال 1987 و چند کنفرانس و اجلاس منطقه ای و محلی دیگر در افغانستان.

یکی از اثرگذار ترین چالش های عاقله بابا در آن سال ها، شرکت او در کنگره جهانی صلح بود که در کپنهاگ مرکز دانمارک به سال 1365 برابر با 1986 میلادی برگزار گردید. او به حیطه مسئول شعبه روابط بین المللی سازمان زنان دموکراتیک افغانستان در آن کنگره حضور می‌یابد و ضرورت برقراری بی درنگ صلح در افغانستان را به گوش جهانیان می‌رساند.

عاقله بابا در همه سال های مبارزاتی خود به مثابه یک زن پیشرو و وطن دوست، داوطلبانه وظایفی را به عهده می‌گرفت و با جان و دل در راه نیکبختی و پیشرفت مردم کشور خود، کوشش بی دریغ می‌کرد.

پس از بحرانی تر شدن اوضاع در افغانستان، عاقله بابا به همراه دخترهای خود ناگزیر از سکونت در مسکومی شود. به امید آن که به وطن بازگردد. او که در آن دوره به حیطه کارمند نمایندگی شرکت هوایی آریانا افغان مشغول به کار بود، نمایندگی آن را در مسکوم به عهده می‌گیرد. پس از تحولات سیاسی در افغانستان، دیگر بازگشت او و هزاران افغان ترقی خواه دیگر به مین خود نامیسمی شود. عاقله بابا و خانواده او به کشور آلمان مهاجرت می‌کنند و در اکتبر 1992 از جانب دولت آلمان در شهر فرانکفورت از ایالت HESSEN به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفته می‌شوند. در این کشور هم عاقله بابا به سرعت با فراگیری کامپیوتر و آشنایی اولیه به زبان آلمانی به استخدام اداره خدمات اجتماعی (سوسیال) در شهرداری ناحیه زندگی خود درمی‌آید. متأسفانه بیماری های مختلف و عمل قلب در سال 1999 او را از فعالیت همیشگی بازمی‌دارد. او به مدت 17 سال در شهر بادزودن (Bad Soden am Taunus) در کنار دختران خود ونوس و ژمه با زندگی می‌گذرد و به مردم این شهر علاقه می‌رساند. عاقله بابا که همواره به فرهنگ و سنن ملل مختلف احترام می‌گذاشت، در مدت اقامت اش در این شهر نیز احترام زیادی به مردم و رسوم و آداب زندگی آن ها قایل می‌شود و متقابلاً احترام و علاقه مردم پیروان زندگی اش را نسبت به خود برمی‌انگیزد. او از سال 2016 به شهر برن در سوئیس منتقل می‌گردد و در پیش

دختر بزرگ خود ماگه بابا زندگی می‌کند. عاقله بابا حاصل تجربه های خود را در یک کار برای صلح و آزادی و تامین حقوق زنان و کودکان، چنین بیان می‌کرد:

در زندگی و مبارزه برای انکشاف و برضد نیروهای عقب گرا موختم که احترام به انسان از احترام به تساوی حقوق زن، مادر و کودک و اعتقاد به سعادت خانواد آغاز می‌شود. خانواده اولین جایی است که می‌تواند پایه احترام به زن باشد. در این راه اهمیت اول باید به آموزش و فرهنگ داده شود. تبادل افکار و تجربه ها برای توسعه و پیشرفت فرهنگ بسیار ضرور است. در یک جامعه بسته که آزادی برای بیان و فکرو تبادل ان میان انسان ها وجود ندارد، همه شریان های آن جامعه خشک می‌شود. چنین جامعه ای می‌میرد.

من از مکتب زندگی ام، از خانواده بزرگ کشورم و تجربه کار با انسان های بزرگ از هر گوشه این جهان، آموختم که همیشه سؤال در برابر خود بگذارم و برای پاسخ به آن ها با هم‌وزم و با هم‌وزم.

در جریان بیماری سخت جسمانی ام نیز با فلسفه جدیدی آشنا شدم. فلسفه تعادل و توازن. فهمیدم که برهم خوردن تعادل و توازن در جسم انسان، قوای او را نابود می‌کند. وجود تعادل و توازن در زندگی و جامعه هم به سلامت آن جامعه کمک می‌کند. فهمیدم که شریان های زندگی در جامعه هم مانند شریان های بدن انسان باید در ارتباط مداوم با هم باشند. راه ارتباط انسان ها با هم دیگر، گفت و گو و تبادل فکرو اندیشه است. اگر این رابطه قطع شود هیچ انسان و هیچ جامعه ای زندگی سالمی نخواهد داشت.

به راستی که عاقله بابا ترکیب دلنشینی از کنش و منش یک زن دانا و مبارز و آرمان خواه را با رفتار و کردار یک مادریک زن دلسوز و مددکار در وجود خود گرد آورده بود. عاقله بابا جمشیدزاد مرید نظر به مریضی طولانی که عاید حالش گردیده بود، در روز جمعه نهم نوامبر 2018 برابر با 18 عقرب 1397 بر اثر وخامت شدید و ناگهانی وضع جسمانی اش در شهر برن سوئیس چشم از جهان فرو بست.

روانش شاد باد و یادش جاودان. یادنام او همیشه با ما خواهد ماند.